



## The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۲ Summer ۲۰۲۲

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی از منظر فقهی و جرم شناسی

سالار صادقی<sup>۱</sup> عباسعلی اکبری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

### چکیده

قوانین کیفری ایران بر این مساله تاکید دارد که برای برقراری امنیت اخلاقی در جامعه باید با روابط جنسی نامشروع و منافی عفت مقابله کرد و برای چنین جرایمی ضمانت اجراهای کیفری مقرر کرده است. اما نتیجه ای که از این سیاست کیفری سخت گیرانه حاصل شده است، افزایش روزافزون این جرایم در جامعه به خصوص بین جوانان می باشد و به نظر می رسد چنین جرایمی به فرهنگ یا خرده فرهنگ در بین جوانان تبدیل شده است. لذا این قوانین به خاطر تعارض با فرهنگ و خرده فرهنگ نسل جدید، متروک شده اند. از منظر فقهی سیاست اسلام در این جرایم بر بزه پوشی بوده و کیفر آخرین راه حل محسوب می شود و هرچند جرم رابطه نامشروع در حقوق ایران از مصادیق جرایم تعزیری است اما تعزیرات تابع مصلحت بوده و با وجود این، قانونگذار ما به مصلحت های اجتماعی در این زمینه توجهی نداشته است. بر این اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد ارزیابی انتقادی و آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی و ارائه راهکارهای قانونی برای حل این مساله با تاکید بر آموزه های جرم شناسی و فقه اسلامی می باشد و به این نتیجه می رسد سیاست کیفری ایران در خصوص جرم انگاری رابطه نامشروع برخلاف سیاست بزه پوشی اسلام بوده و از نظر اصل فایده مندی مجازات، منافع و مصالحی را تأمین نکرده است. بنابراین ضرورت دارد ماده قانونی مربوط به جرم رابطه نامشروع مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد و محدود به موارد مخل نظم عمومی گردد.

**واژگان کلیدی:** سیاست کیفری، جرایم جنسی، فقه، رابطه نامشروع، جرم شناسی فرهنگی.

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)

salar.n1371@gmail.com

a.ali\_akbari@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

## مقدمه

سیاست کیفری ایران در برابر انواع انحرافات جنسی، سیاست سرکوب و کیفر است. قوانین کیفری ایران همه مجرمان و منحرفان جنسی را با یک چوب می راند و خواستار کیفرهای شدید بر آنها است. در نظر قانونگذار، اولین راه حل، مداخله حقوق کیفری است. لکن نتیجه حاصل از این سرکوب، معکوس بوده است و چنین انحرافات و جرایمی نه تنها کاهش نیافته است، بلکه در حال افزایش می باشد. خانواده ها و مسئولان نیز در برابر این انحرافات سکوت می کنند و پژوهشگران با طمانینه خاطر و به راحتی نمی توانند این مسائل را بررسی کرده و راهکار ارائه دهند. لذا انجام پژوهش علمی و بی طرف برای حل چنین مسائلی برای اصلاح سیاست کیفری ایران ضروری به نظر می رسد.

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ایران در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ طی گزارش هایی اعلام کرد روابط جنسی نامشروع در حد نگران کننده ای افزایش یافته و یکی از راه حل های اساسی ازدواج موقت است (پایگاه خبری آفتاب نیوز، ۱۳۹۶، ص. ۱)، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۷۴ درصد دارای رابطه غیر مجاز با جنس مخالف بوده اند. تعداد ۲۴ هزار و ۸۸۹ نفر که ۱۷،۵ درصد دانش آموزان مورد تحقیق را در بر میگیرد، همجنسگرا بوده اند و ۱۱ هزار و ۶۸۲ نفر یعنی ۸،۲ درصد نیز دست به خودارضایی میزده اند. سن روسپیگری به ۱۵ سال رسیده است. ۸۰ درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته اند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده اند (پایگاه خبری جماران، ۱۳۹۳، ص. ۱). برخی با بیان آذیر قرمز بحران جنسی، از احتمال وقوع انقلاب جنسی<sup>۱</sup> در ایران خبر داده اند. بحران جنسی مقدمه انقلاب جنسی است، در واقع انقلاب جنسی زمانی برای آزادسازی جنسی است که کلیشه های سنتی جنسی جامعه به پارامترهای دیگری تبدیل شود.

از این هشدارها از لحاظ تحلیل حقوقی می توان نتیجه گرفت که اولاً جرایم جنسی در ایران دچار رقم سیاه است. یعنی بیشترین آمار جرایم نامکشوف را به خود اختصاص داده است. این جرایم به ضابطان و مقامات قضایی گزارش داده نمی شود و یا اینکه از دید عموم پنهان می ماند. ثانیاً جرایم جنسی در ایران تبدیل به مساله ای عادی و به تعبیر جرم شناسی فرهنگی، به نوعی فرهنگ و سبک زندگی تبدیل می شود چون بسیاری از مردم خود را ملزم به رعایت قانون نمی بینند.

بدیهی است تنها چیزی که در کوتاه مدت در دست دست اندرکاران قانونی و قضایی قرار دارد، ضمانت اجرای کیفری است اما در بلند مدت اثر معکوس دارد که امروزه شاهد آن هستیم. افزایش غیرعادی جرایم جنسی در ایران می تواند این نکته را گوشزد کند که تدابیر کیفری تاکنون کارساز نبوده است و نیازمند اصلاح است. جامعه و فرهنگی که اکنون در ایران وجود دارد، نه از ساختار غربی تبعیت می کند و نه از ساختار اسلامی. بنابراین با توجه به اینکه اولین راه حل برای بحران جنسی در ایران، سرکوب کیفری بوده است و نتیجه ای نداشته است، لازم است مقررات مربوط به جرایم جنسی در ایران مورد بازبینی قرار گیرد که در این مقاله به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

---

۱. Sexual revolution

با عنایت به مطالب مذکور، سوال اصلی مقاله حاضر این است که سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی به ویژه جرم رابطه نامشروع چه ایرادات و مشکلاتی دارد و در پرتو آموزه های جرم شناسی و فقه اسلامی چگونه باید اصلاح گردد؟

### روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و مبتنی بر اصول و یافته های علم حقوق، فقه اسلامی، جرم شناسی، روانشناسی و جامعه شناسی می باشد. همچنین به سیاست کیفری برخی کشورهای غربی در برابر جرایم جنسی نیز اشاره ای خواهیم داشت تا از منظر تطبیقی مورد استفاده قرار گیرد.

### ۱-نگاهی به مبانی جرم انگاری جرایم جنسی و چالش های آن

اصولاً امنیت و اخلاق به دو حوزه جداگانه تعلق دارند. امنیت به دنبال ایجاد سازوکاری برای حفاظت عمومی از خطرات و تهدیدات است؛ در حالی که اخلاق درباره باید و نباید رفتار فردی است. اخلاق بیشتر با امور ذهنی سروکار دارد تا امور عینی. مساله این است که آیا امنیت می تواند اخلاق ایجاد کند؟ به عبارتی، سازوکارها و تدابیر امنیتی یعنی نهادهای قانونی و انتظامی و نظامی که عهده دار امنیت هستند، می توانند با تحمیل اخلاق بر مردم، آنان را اخلاقی تر سازند؟

حوزه دخالت حقوق کیفری برای تنظیم اخلاق و عفت عمومی در حقوق ایران گسترده است. در حالیکه در نظام های حقوقی عرفی، حوزه اخلاقی جامعه تا زمانی که بحث ضرر به حقوق دیگران را در پی نداشته باشد، از مداخله دولت به دور است. در حقوق عرفی حوزه اخلاق الزاماً حوزه مداخلات حقوق نیست. اما با توجه به هنجارهای اسلامی در ایران، روابط جنسی توأم با رضایت نیز جرم انگاری شده است. این مداخله کیفری به مداخلات حکومت هم بسنده نکرده بلکه حتی به افراد عادی هم اجازه مداخله در این موارد را داده است که مواد ۳۰۲ از مصادیق آن است (آقابابایی، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۵). اما ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه صرفاً با اهرم کیفر و تدابیر امنیتی نمی تواند کارساز باشد و کنترل های اضافی و مکررانه خود ممکن است به ناامنی دامن بزند. بند یک اصل سوم قانون اساسی، دولت را به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا موظف کرده است. لذا طبق این اصل، رشد فضایل اخلاقی صرفاً با ابزار کیفر ممکن نیست بلکه ایجاد محیطی بر اساس ایمان و تقوا است که فضایل اخلاقی را تقویت می کند. تنها راه مبارزه با ناامنی اخلاقی، فقط حقوق کیفری نیست بلکه حقوق کیفری آخرین راه چاره است.

استدلال کشورهای با نظام حقوقی عرفی این است که دولت نباید در زندگی شخصی روزانه افراد مداخله کند و «حق بر مجازات نشدن» و «دولت محدود» از اصول اساسی این کشورهاست.

به عقیده دکترین حقوقی لیبرال، زشت بودن عمل برای برخورد کیفری با آن کافی نیست. زیرا زشت بودن عمل فقط با مقیاس معیارهای اخلاقی قابل اثبات است و حال آنکه الزام قانونی اخلاق ممکن نیست. یعنی نمی توان با توسل به حقوق کیفری درصدد

الزام اخلاق و ارزش های اخلاقی برآمد. به همین دلیل هم طبق اندیشه لیبرال، جرم انگاری هرزه نگاری یا پورنوگرافی نه تنها ممکن نیست بلکه با توجه به تضاد آن با آزادی بیان و مطبوعات برخلاف ارزش های لیبرال است (جعفری، ۱۳۹۲، صص. ۳۳۸-۲۲۷). دیدگاه لیبرال این است که دولت در برابر اخلاق وظیفه ای ندارد اما ممکن است یک فعل یا صفت اخلاقی را از حیث اجتماعی مدنظر قرار دهد. از این رو، دولت ها باید هنگام جرم انگاری اعمال ضد اخلاقی دقت کنند که فعل مورد نظر داخل در قلمرو آزادی و حریم خصوصی نباشد. نمی توان صرفاً به این علت که فعلی از منظر اخلاقی برای شخص مضر است یا عقوبت اخروی دارد اقدام به جرم انگاری آن نمود. در این صورت حمایت مدنی در تبعیت از این گونه قوانین فراهم می گردد و نافرمانی مدنی در جامعه بروز نمی کند (خدابخشی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰). از این رو، در نظام حقوقی غرب، کنترل یک رفتار صرفاً به این دلیل که بر اساس معیارهای پذیرفته شده یک جامعه، غیر اخلاقی است، وظیفه حقوق کیفری نیست. آنچه در حریم خصوصی خانه کسی انجام می شود، تا زمانی که به دیگری آسیب نرساند ربطی به دولت ندارد. افراد حق دارند موضوع برخوردهای سخت و بدنام کننده از سوی دولت قرار نگیرند (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰). حق بر مجازات نشدن را می توان با اصل اباحه در فقه اسلام تطبیق داد. در حقوق غرب که منبع شرعی برای جرم انگاری وجود ندارد، برای مداخله کیفری باید استدلال های قوی و قابل توجیه بیان شود و اگر چنین دلایلی وجود نداشته باشد، عمل جرم انگاری نمی شود. چون امروزه عصر حق مداری است تا تکلیف مداری و گستره حق ها روز به روز افزایش می یابد. البته این حق مداری زمانی که منجر به آسیب و تهدیدی برای امنیت جامعه شود، جرم انگاری می شود.

اعمالی چون «برهنگی در انظار عمومی»<sup>۱</sup>، «سکس در ملاعام»<sup>۲</sup> در کشورهای انگلستان، آمریکا، استرالیا و کانادا با تفاوت هایی جرم انگاری شده است و «جریحه دار کردن عفت عمومی»<sup>۳</sup> در انگلستان و ولز جرم می باشد. «بی دی اس ام»<sup>۴</sup> به رفتارهای سادیستی و مازوخیستی گفته می شود که در طول رابطه جنسی توسط فرد سادیست (دگرآزار) بر فرد مازوخیست (خودآزار) اعمال می شود و شامل تحقیر و یا آزارهای جسمی و روانی است و رابطه توافقی و مبتنی بر رضایت است. بی دی اس ام در کشورهایی چون کانادا و آلمان و ایتالیا و سوئد و سوئیس جرم نیست اما در انگلستان و برخی ایالات امریکا جرم انگاری شده است. در اتریش و ایتالیا گفته شده که اگر آزار موجب ۲۴ روز باقی بماند جرم است و این روابط در ملاعام و با نابالغان جرم است (Barker, Lantaffi and Gupta, ۲۰۰۷, ۲۲). اما در انگلستان در پرونده هایی چون R v Brown (۱۹۹۴) و Doe v. George Mason University (۲۰۱۶) جرم محسوب شده است.

همچنین زنا (روابط افراد متاهل) در دو کشور کره جنوبی و هندوستان به ترتیب در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ جرم زدایی شد. در کره جنوبی در سال ۲۰۱۵ دیوان عالی سئول قانون ۱۹۵۳ را باطل اعلام کرد و بیان داشت «حتی اگر زنا غیر اخلاقی باشد، قدرت

۱. Indecent exposure .

۲. Public sex .

۳. Outraging public decency.

۴. BDSM =B/D (Bondage and Discipline) S/M (Sadism and Masochism) .

دولت نباید در زندگی خصوصی افراد مداخله کند... و حق تعیین سرنوشت شامل حق انتخاب شریک جنسی می شود... همچنین جامعه کره به اندازه کافی متحول شده و سال ۲۰۱۵ سال ۱۹۵۳ نیست- (<https://edition.cnn.com/2015/02/26/asia/south-korea-adultery/index.html>) دیوان عالی دهلی نو در هند نیز در سال ۲۰۱۸ قانون دوران استعمار انگلیس را که زنا را جرم انگاری کرده بود، باطل اعلام نمود. بدین ترتیب این دو کشور با به روز کردن قوانین گذشته و متناسب نمودن قوانین با تحولات اجتماعی و فرهنگی روز، موجب تحول نظام حقوقی خود شدند. امروزه در قوانین کیفری اکثر کشورها از جمله تمام کشورهای اتحادیه اروپا، کشورهای آمریکای لاتین، چین، ژاپن و استرالیا زنا جرم نیست. البته گاهی از ضمانت اجرای مدنی استفاده شده است مثلاً در چین زنا زمینه ای برای طلاق است.

در این نظام ها که منشا حقوق، اراده و خرد و خواست جمعی است، بنیان و اساس قوانین ناشی از تبلور توافق جمعی است و خواست اجتماعی در وضع قوانین نمود واقعی دارد. لذا در این نظام ها موضوعات حقوق کیفری بر اساس خواست و اراده عمومی میانگین شهروندان تعیین می شود و حاکمیت با هرگونه اعتقادی مداخله ای در افزایش و کاهش سیاهه جرایم ندارد. به این سان، قوانین برای تامین مطالبات شهروندان، به سهولت قابل تغییر و تحول هستند (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص. ۳۲).

امروزه رابطه آزاد بین زن و مرد مجرد (Fornication) تنها در ۱۲ کشور دنیا جرم است که عبارتند از پاکستان، افغانستان، ایران، کویت، مالدیو، مراکش، عمان، موریتانی، امارات متحده عربی، قطر، سودان و یمن. در بقیه کشورها این عمل با هیچگونه واکنشی مواجه نیست و امری کاملاً عادی و طبیعی است.

باید اشاره نمود امروزه انحرافات و نابهنجاری های جنسی (پارافیلی) در علم روانشناسی و سکس شناسی طبقه بندی شده است که از مهمترین آنها بچه بازی (پدوفیلیا)، مازوخیسم، سادیسم، حیوان دوستی، مرده خواهی و عورت نمایی است. سیاست جنایی کشورها در برخورد با این انحرافات همیشه به صورت کیفری نیست و در اکثر کشورها مداخلات روانشناختی در این زمینه ها صورت می گیرد مگر اینکه به دیگری آسیبی وارد شود و مایه آزار دیگران شود. اما رابطه زن و مرد مجرد همراه با رضایت آنها پدیده ای کاملاً عادی و بهنجار می باشد لذا نباید با آن برخورد کیفری صورت گیرد. بدین سان روابط بین دختران و پسران مجرد - حتی اگر در حرمت آن تردیدی نباشد- اگر صرفاً در راستای ارضای نیازهای انسانی، عاطفی و جنسی بوده و قصد برهم زدن امنیت و عفت عمومی جامعه را نداشته باشد، موجب اخلال در امنیت اخلاقی جامعه نمی شود و نیازی به جرم انگاری این روابط نخواهد بود. از طرف دیگر هر رفتار حرام و گناهی هم لزوماً موجب نقض امنیت و نظم جامعه نمی شود و لذا جرم انگاری آن ضرورتی ندارد.

#### ۱-۱- چالش کیفرگذاری جرایم جنسی در ایران

آنچه از ملاحظه قوانین کیفری در زمینه جرایم منافی عفت قابل بیان و دارای اهمیت می باشد، آن است که سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری از سیستم سزادهی و تعیین کیفر استفاده نموده است و نگرش قانون گذار یک نگرش مجرمانه

و کیفرمحور است و با تأکید بر نقش بازدارندگی مجازات و تعیین کیفر حبس و شلاق و جریمه نقدی نمود پیدا کرده است. با توجه به حساسیت قشر مذهبی نسبت به این مسأله و دیدگاه سنتی درباره جرایم منافی عفت، قانونگذار از اهداف سزادهی، سرکوب گرایانه، اربابی و بازدارنده استفاده نموده است (جعفری و حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۷۸).

نکته مهم در کیفر دهی به مرتکبان جرایم جنسی توأم با رضایت طرفین این است که از منظر کیفرشناختی امروزه هیچ یک از اهداف کیفرها در مورد این مجرمان محقق نمی شود. کیفر مرتکبان زنا یا روابط نامشروع منجر به اجرای عدالت نمی گردد چون حقی از کسی ضایع نشده است. موجب ارباب نیز نمی شود چون کیفر آنان موجب برچسب زنی و طرد و موجب تجری بیشتر آنان می گردد که منجر به تکرار جرم خواهد شد. هدف سزادهی و اصلاح و درمان نیز نمی تواند تامین شود چون این مرتکبان معمولاً قبیحی برای جرم خود قائل نبوده و ارتکاب این اعمال را حق طبیعی و انسانی خود می دانند خصوصاً اینکه در اکثر جوامع دنیا از جرایم جنسی توأم با رضایت جرم زدایی شده است. نظر اسلام هم در این خصوص صرفاً کیفر و سرکوب نیست بلکه تهذیب نفس انسان ها از طرقی دیگر غیر از کیفر است. از طرفی، وقتی احکام الهی در جامعه اجرا می شود، این احکام وجهه اجتماعی و انسانی پیدا می کند و پیامدهای انسانی و اجتماعی خواهد داشت. کیفر چنین مجرمانی منجر به تنفیر از دین و رویگردانی جوانان از دین می شود. در نتیجه باید گفت مجازات جرم رابطه نامشروع که موجب برچسب زنی و محرومیت از حقوق انسانی و اجتماعی می شود، امروزه ناعادلانه است.

از لحاظ برخورد قانونی با روابط جنسی نامشروع، عده ای پیشنهاد داده اند با توجه به واقعیات روز جامعه ایران و جهانی شدن فناوری و فرهنگ شاید بهتر باشد در لایحه تعزیرات که در حال نگارش است بحث مداخله حاکمیت در تعیین حدود و ثغور رفتارهای غیراخلاقی و مغایر عفت جنسی و عمومی به نحوی سامان یابد که شفافیت در جرم انگاری و تنویر رکن مادی جرم مذکور به نحوی تقنین شود که موجب خروج موارد قطعاً غیر مصداق رفتار مغایر عفت و مستحق کیفردهی بشود؛ تا نه تورم کیفری و نه ارفاق غیربایسته، هیچ یک صورت نپذیرد و در برخی موارد هم جرم زدایی لازم است (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص. ۳۱). برخی هم گفته اند که در نظام کیفری ایران انطباق قوانین کیفری با موازین شرعی مسلم و انکارناپذیر است و بدین ترتیب جرم زدایی در قلمروهایی چون حدود به دلیل مبنای تغییرناپذیر آنها قابل تصور نیست. ولی در محدوده تعزیرات به ماده ۶۳۸ ق.م.ا اشاره کرده اند که قابل اصلاح است چون قانونگذار دامنه جرم انگاری این ماده را تا مرز بی نهایت گسترش داده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۵). به نظر ما با توجه به عدم سودمندی کیفر بسیاری از جرایم جنسی به ویژه رابطه نامشروع، قانونگذار باید سیاست سخت گیرانه کیفری خود را کاهش داده و جرم رابطه نامشروع را محدود به موارد منحل نظم عمومی نماید.

## ۲-نگاهی به جرایم جنسی از منظر فقهی

سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طولی طراحی کرده است: در گام نخست با تدابیری منطبق بر جنبه های روانشناختی و جامعه شناختی، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش های انحرافی غریزه جنسی بالا می برد و یک

نیروی کنترل درونی در افراد ایجاد می کند تا بدون نیاز به نیروی کنترل بیرونی، از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی دوری گزینند؛ در گام بعدی می کوشد با سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز عکس العمل تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاص در مظان ارتکاب جرم را از اجرایی کردن افکار مجرمانه خود بازدارد و در گام سوم، به عنوان آخرین راه، با وضع تدابیر کیفری متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است (محمدی جورکویه، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۷). اما قوانین ایران در اولین گام می خواهد با تدابیر کیفری با جرایم جنسی مقابله کند که بدیهی است تاثیری در کاهش این جرایم ندارد.

## ۲-۱- مبانی فقهی جرایم جنسی

از منظر ریشه فقهی، هرچند کیفر زنا در قرآن ذکر شده، اما جرم رابطه نامشروع در قرآن نیامده و هرچند از گناهان است اما دلیل روایی در این خصوص برای جرم بودن آن وجود ندارد و فقط به مصادیق اعمال منافی عفت غیر از زنا در روایات و نظر فقها اشاره شده است. ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برای جرم مذکور مجازات تا ۹۹ ضربه تعیین کرده است که به لحاظ شدت در قباح عملی منافی عفت غیر از زنا، دور از عدل و انصاف است. مصادیق این جرم تمثیلی است که شامل هرگونه تعقیب، مضاجعه، معانقه، مکالمه، مصافحه و مکاتبه و اختلاط می گردد (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۳، صص. ۱۷۶-۱۵۶). از منظر روایی فقط مصادیقی از روابط غیر از زنا در روایت ذکر شده که نمی توان آنها را به همه موارد مشابه تسری داد. روایاتی که در این خصوص موجود است معمولاً در پاسخ به سوالات اشخاص ذکر می شد که در متن اجتماعی و فرهنگی آن جامعه قابل فهم بود.

قاعده فقهی «کل معصیه لم یرد فیه حد فیهها التعزیر» (تعزیر در محرماتی که حد در آن وارد نشده) به صورت کلی قابل اثبات نیست و در هیچ نصی بر آن اشاره نشده است و اثبات تعزیر بر گناهان، احتیاج به استقراء موارد روایی آن دارد و تسری به موارد غیرمنصوص تنها با قیاس ممکن است که خود دلیل نارسایی است. شمول این قاعده نسبت به همه گناهان حتی صغیره، مستلزم نوعی تفسیر موسع در مفهوم تعزیر است و با چنین قاعده ای خود قضات و حاکمان و حتی فقها هم از تیغ تعزیر رهایی نخواهند داشت و هر صبح تا شام، شلاق ها زمین نهاده نمی شود و کار دستگاه قضا به آنجا می کشد که مجالی برای رسیدگی به حقوق الله و حقوق الناس پیدا نمی کند. پیامبر اسلام (ص) و امیر مومنان (ع) هم در طول زمامداری خود، همه مرتکبان گناهان کبیره و صغیره را تعزیر نکردند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، صص. ۱۴-۱۳).

طبق مبانی فقهی، تعزیر برای گناهان و تخلفات به عنصر مصلحت بستگی دارد. تعزیر موکول به امام است و اگر تعزیر را به مصلحت بداند انجام می دهد و اگر ترک آن را مصلحت بداند از تعزیر خودداری می کند. لذا تعزیر بیش از آنکه دایره مدار گناه باشد، تابع مصلحت است. رعایت مصلحت در تعزیر به معنای در نظر گرفتن خرد جمعی و بهره گیری از نظر کارشناسان در جرم انگاری است. جرم قلمداد کردن تمام گناهان به تورم کیفری می انجامد و وقتی بسیاری از امور جرم باشند، به دنبال آن مجازات، در ذهن و باور تابعان قانون امری عادی یا شبه عادی می شود و از قبح جرایم کاسته می شود. شارع اسلام در کنار کیفر به حفظ

حرمت و عرض افراد هم تاکیده نموده است که راه های اثبات جرایم جنسی موید این امر است (نوبهار، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۰). لذا روایاتی که مقدار مجازات در تعزیرات را معین نموده است از جنس احکام حکومتی است که با تغییر زمان و مکان قابل تغییر است و واگذاری تعزیر و کیفیت و مقدار آن به امام و حاکم موید این امر است. چنین احکامی برپایه مصلحت و منافع جامعه استوار است.

اسلام در خصوص نیازهای جنسی-برخلاف مسیحیت- چندان سخت گیر نیست و به ازدواج (موقت یا دائم) تشویق می کند و مخالف مجرد طولانی است. اما زمانی که راه مشروع مسدود است مجازات کردن کسانی که راه نامشروع را انتخاب کرده اند، به مصلحت نیست. تعزیر هم تابع مصلحت است و مصلحت امروزه این نیست که روابط آزاد جنسی توأم با رضایت طرفین که قصد اخلال در نظم عمومی ندارد، مجازات شود چون دفع فاسد به افسد رخ خواهد داد.

حتی برخی فقها معتقدند «عقد یا قرارداد ازدواج به هر زبانی که باشد درست است و اگر هم بدون لفظ ویژه اش که «انکحت» یا «نکاح کردم» باشد، در صورتی که جریانی میان زن و مرد انجام گردد، چه با نوشتن یا گفتن یا اشاره یا هر طور دیگر که به روشنی دلالت بر انجام ازدواج کند، کافی است...». اگر کفش روی کفش گذاردن یا شیرینی به یکدیگر تعارف کردن یا هر اشاره و عملی دیگر که در عرف آنان دلیل بر انجام ازدواج است، همین ها کافی است و دیگر صیغه ای چه عربی و چه به زبان دیگر لازم ندارد. عمده این است که معلوم باشد قضیه رفیق بازی و زنا در کار نیست، بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است، چه دائمش و چه موقتش» (صادقی تهرانی، بی تا، ص ۱۷۳). یعنی برای عقد نکاح نیازی به بیان لفظی صیغه آن نیست و صرف رابطه زناشویی زن و مرد می تواند نشانگر نکاح آنان باشد؛ هرچند قانون مدنی ما این نظریه را قبول ندارد.

تحولات فرهنگی جامعه ها می تواند دلالت متون دینی و غیردینی آن جامعه ها را دستخوش تحول سازد. مسلمانان می توانند و بلکه موظفند در هر عصر «عدالت» عینی مصداق های اثباتی و سلبی دین را اساس سازماندهی عادلانه اجتماعی خود قرار دهند. زیرا آنچه حکومت ها به کار می گیرند اموری بشری هستند که با عقل و تجربه انسان تاسیس می شود اما اوامر و نواهی خداوند به وسیله انسان شنیده می شوند و نه تاسیس. حکومت ها حتی اگر متعهد به عمل به اوامر و نواهی الهی در امور اجتماعی و سیاسی باشند، این تعهد آنها و همه پیامدهای آن اموری بشری است. این کار نقطه مقابل اطاعت از اوامر و نواهی الهی نیست بلکه مقتضای آن یعنی الزام به عدالت و اجتناب از ظلم می باشد (مجتهدشبهستری، ۱۳۷۸، ص. ۱۲). بنابراین صرف حرمت فقهی روابط جنسی نامشروع در فقه، شرط ضروری و کافی برای جرم‌انگاری آن در حقوق موضوعه نیست و همچنین اعتقاد به ضرورت جرم‌زدایی از رابطه نامشروع، لزوماً به معنی مشروعیت بخشی به روابط جنسی با تراضی نیست بلکه اساساً جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از رفتاری مبتنی بر مصالح جامعه ناظر بر نظم و آسایش عمومی است و ارتباطی به حرمت و جواز شرعی ندارد.

## ۲-۲- آسیب شناسی جرم‌انگاری روابط جنسی در ایران از منظر فقهی



اهتمام اسلام بر حفظ فضای معنوی جامعه و نظام ارزشی آن، با جرم انگاری رفتارها و اعمال تعزیر و مجازات ملازمه ندارد. لذا جرم انگاری حداقلی با آموزه های قرآنی هم سازگار است. در قرآن کریم دعوت به سوی خدا و معنویت ها با رعایت حکمت و موعظه و جدال نیکو همراه شده است و بر جرم انگاری تاکید نشده است. در قرآن در حوزه جرایم جنسی تنها مجازات زنا تصریح شده است لذا جرم انگاری حداکثری برای کشف و تعقیب و مجازات در جرایم جنسی و منافی عفت با آموزه های قرآنی و حفظ کرامت انسانی سازگاری ندارد. چنین روشی برای قانونگذار مفید است تا با ایجاد بسترهای فرهنگی، به راهکارهای غیرکیفری اندیشیده شود (مهریزی و دانش پژوه، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۳).

در واقع در رویارویی با ناهنجاری های اجتماعی، جرم انگاری آخرین سلاح است. چون مجازات به دلیل اینکه در ذات خود خشن و بد است همواره نیازمند توجیه کافی است. این «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری» است که از مستندات عقلانی و اخلاقی و اسلامی برخوردار است. به همه هنجارهای اخلاقی نمی توان صورت قانون-آن هم قانون جزایی-داد. در این صورت در گام نخست این اخلاق است که آسیب می بیند. اسلام هم در آموزش ارزش ها و اعلام آنها بر جرم انگاری تاکید نمی کند (نوبهار، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۳). به همین دلیل مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴، تحقیق در جرایم منافی عفت اصولاً ممنوع است مگر در موارد استثنا (ارتکاب در مرئی و منظر عام، وجود شاکی خصوصی، ارتکاب به عنف و سازمان یافته بودن) و اصل بر بزه پوشی در این نوع جرایم می باشد. «شارع مقدس اسلام بر اغماض و چشم پوشی از این جرایم تاکید دارد و توبه و ندامت درونی را بر مجازات ظاهری ترجیح می دهد. از طرفی حیثیت و آبروی اشخاص، گوهر گرانبهایی است که هیچ همسنگی جز حرمت کعبه ندارد و در حفظ آن باید کوشش کرد.» (زراعت، ۱۳۹۳، ص. ۳۱۲). بنابراین تصویب ماده ۱۰۲ قانون مذکور از جهت اثبات، مطابق با آموزه ها و مبانی فقه اسلامی بوده است. قانونگذار در اقدام مثبت دیگر در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مقرر نموده «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.» با این حال، قانونگذار ایران در مرحله برخورد کیفری و کیفرگذاری در قانون مجازات اسلامی رویکرد سخت گیرانه ای به این جرایم نشان داده است.

تحقیق در دستگاه قانون گذاری ایران در رابطه با جرم انگاری رفتارهای خلاف اخلاق و عفت عمومی، در ابتدای امر با این دشواری روبه روست که دستگاه قانون گذاری ایران، به هنگام جرم انگاری رفتارهایی که در فقه جزایی امامیه گناه محسوب شده و برای آن ها کیفر معین در نظر گرفته شده، هیچ توجهی به مبانی جرم انگاری این رفتارها ندارد و در نتیجه برای یافتن این مبانی، باید به متون دینی و روایت های منقول از معصومین مراجعه کرد؛ امری که با توجه به عدم دسترسی به معصوم در عصر حاضر و بیان

۱. انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می شود. تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو اقصا اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می کند. تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

نشدن مبانی جرم انگاری بسیاری از رفتارها در اقوال معصومین در سایر عصور با مشکلات جدی روبه روست (وروایی، سعادت‌ی و هاشمی، ۱۳۹۳، ص. ۴۳).

بسیاری از فقهای امامیه مانند علامه حلی و سید احمد خوانساری قائل به تعطیل حدود بوده و گفته اند اقامه حدود شرعیه از امور مختص به معصومین (ع) است (خوانساری، ۱۳۹۴ ه.ق، ص. ۴۱۲) این نظریه واجد توجیه اجتماعی است زیرا اسلام دارای ابعاد مختلف تربیتی و اخلاقی و اجتماعی است. آیا در زمان ما با اجرای حد شرعی بر زنی که برای سیر کردن شکم فرزندانش تن به عصیان داده، خانواده ای را به آغوش فساد و تباهی نمی کشیم و آیا در چنین مواردی دفع فاسد به افسد نمی کنیم؟ امام علی (ع) برای حفظ بچه شیرخوار حد را اجرا نمود، آیا فقهای عادی مجازند در این موارد تصمیم بگیرند؟ (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۶). حال اگر برای پیشگیری از فساد در جامعه اولین راه حل را اقامه حدود و کیفر بدانیم، نه تنها فساد از بین نمی روند بلکه فسادهای دیگری نیز رشد خواهند کرد.

از طرفی اگر انجام عملی مایه بیزاری از دین و سبب حرج مسلمانان و یا جامعه اسلامی شود مانند اینکه مسلمانان به دلیل پابندی به برخی احکام شریعت در زندگی اجتماعی خود دچار حرج و سختی گردند، جایز نیست. چنانچه اجرای حکمی از شریعت مستلزم رویگردانی مردم از اصل دین باشد، شارع حکیم نه تنها بر اجرای آن اصرار نمی ورزند که راضی به اجرای آن نخواهد بود (نوبهار، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۴). بنابراین ضرورتی ندارد فقط با کیفر و سرکوب، جامعه را اخلاقی کنیم. زیرا کیفر روابط جنسی توأم با رضایت جوانان امروزه در ایران منجر به رویگردانی از دین اسلام می شود که شارع به آن راضی نیست.

ایران یکی از دوازده کشوری است که هرگونه رابطه نامشروع دختر و پسر مجرد را در ماده ۶۳۷ ق.م.ا جرم انگاری کرده است.<sup>۱</sup> در مورد این جرم، رویه قضایی ایران رویکرد واحدی اتخاذ نکرده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی ارتباط تلفنی و مکاتبه ای و صرف خلوت کردن زن و مرد نامحرم را جرم نمی داند اما در اواخر دهه ۸۰ و ۹۰ ارتباط تلفنی و مجازی را که محتوای جنسی داشته باشد جرم می داند (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص. ۳۱).

لازم به ذکر است متون دینی را باید با توجه به بسترها و تحولات تاریخی و اجتماعی و فرهنگی زمان و مکان تفسیر کرد که خاصیت فقه پویای شیعه نیز همین است. رابطه نامشروع در دسته گناهان کبیره هم نیست. دلیل عقل هم دارای چالش است چون امروزه با پیشرفت فناوری و علوم و رعایت اصول می توان از بیماری های مقاربتی جلوگیری کرد و نسب افراد را تعیین نمود. اما مورد فروپاشی خانواده در اثر این جرم بحثی است که باید در حوزه جامعه شناسی مورد بررسی قرار گیرد. در شرایط فعلی به دلایل اقتصادی امکان تشکیل خانواده برای بسیاری از جوانان ممکن نیست و عملاً خانواده نزدیک به فروپاشی است. لذا جلوگیری از وقوع جرم روابط نامشروع به معنای حفظ کیان خانواده نیست. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، این جرم در ایران دارای رقم سیاه

۱. این نوع رابطه در حال حاضر تنها در ۱۲ کشور دنیا جرم است که عبارتند از پاکستان، افغانستان، ایران، کویت، مالدیو، مراکش، عمان، موریتانی، امارات متحده عربی، قطر، سودان و یمن. در بقیه کشورها این عمل با هیچگونه واکنش کیفری یا مدنی مواجه نیست.

بالایی است و افراد زیادی آن را دارای قبح ذاتی نمی دانند و امری عادی و طبیعی تلقی می کنند. بنابراین عامل اصلی فروپاشی خانواده را شرایط نامساعد اقتصادی جامعه سبب می شود نه ارتکاب جرم رابطه نامشروع.

از طرفی امکان تبدیل مفهوم متون در طول تاریخ زندگی اجتماعی یک اصل مهم در زبانشناسی و هرمنوتیک مدرن است. لذا قانونگذاران باید قوانین مجازات را با توجه به تغییرات اجتماعی که به دولت-ملت شدن جامعه ما منتهی شده، بر مبنای پاسداری از عدالت تدوین کنند نه بر مبنای زندگی های قبیله ای گذشته (سایت رسمی مجتهد شبستری، ۱۳۹۳). پس در اجرای احکام شریعت نمی توان صرفاً بر منطق وظیفه گرایی اعتماد کرد بلکه مکلف باید به بازتاب ها و پیامدهای اجتماعی و انسانی عمل خویش هم توجه نماید.

در مجموع، مسأله ممنوعیت قانونی با مسأله منع شرعی متفاوت است. امروزه قانون را نمی توان بر ملاحظات صرفاً شرعی بنا کرد. بنابراین، اگر فرض کنیم که از منظر شرعی روابط آزاد میان زن و مرد خلاف یا گناه است، از آن نتیجه نمی شود که این روابط را حتماً از حیث قانونی هم باید ممنوع اعلام کرد- مگر آنکه بتوانیم در کنار این دلایل شرعی، دلایل عقلی مستقلی هم برای این ممنوعیت اقامه کنیم؛ به خصوص از آن جهت که جرم انگاری آخرین راه حل است. روابط آزاد زن و مرد مادام که مبتنی بر رضایت و احترام متقابل باشد و حق شخص سومی را ضایع نکند و منجر به اخلال در نظم و امنیت عمومی نشود، از منظر قانونی نباید منع شود. در این شرایط البته افرادی که ملتزم به شرع هستند نباید تن به این گونه روابط بدهند، اما ایشان نباید بنا به دلایل صرفاً دینی باورهای دینی و سبک زندگی مطلوب خود را از طریق تصویب قوانین کیفری بر دیگران تحمیل کنند. زیرا در این صورت افرادی که معتقد به روابط خارج از ازدواج هستند نیز باید حق داشته باشند باورها و سبک زندگی خود را بر ملتزمان به شرع تحمیل کنند.

### ۳-نگاهی به جرایم جنسی از منظر جرم شناختی

در این بخش از منظر نظریات جرم شناسی فرهنگی و آنومی و روانشناسی اجتماعی به بررسی و ریشه یابی جرایم جنسی می پردازیم.

جرم شناسی فرهنگی به هنگام مطالعه جرم، ضمن بررسی متن اجتماعی و فرهنگی ظهور و فعالیت مجرمانه، گفتمان خود را بر اساس سه حوزه «فرهنگ به مثابه جرم»، «جرم به مثابه فرهنگ» و «بازنمایی رسانه» صورت بندی می کند. منظور از فرهنگ در این فرآیند، سبک زندگی، آداب و رسوم و نحوه گفتار و پوشش و معانی مشترکی است که بین گروهی از مردم قابل ردیابی است (فرجیها و الله وردی، ۱۳۹۳، ص. ۸۸). منظور از جرم به مثابه فرهنگ، تبدیل رفتارهای مجرمانه به نوعی سبک زندگی و خرده فرهنگ است. منظور از فرهنگ به مثابه جرم، جرم انگاری و مداخله حقوق کیفری در حوزه فرهنگ است که جنایی سازی گفتمان فرهنگی صورت می گیرد و برخی جنبش های مدنی و فرهنگی در اثر یک سری حوادث، برچسب مجرمانه و انحرافی می خورند و طرد می شوند.

### ۳-۱-ریشه یابی جرایم جنسی در ایران از منظر جرم شناسی فرهنگی

جرم شناسی فرهنگی یکی از شاخه های جرم شناسی انتقادی معاصر است که می تواند در این بحث مورد استفاده قرار گیرد چون جرایم جنسی امروزه متأثر از فرهنگ هستند. این جرم شناسی بر گفتمان های فرهنگی غالب در تدوین قوانین و همچنین فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها و سبک زندگی در ارتکاب جرایم تاکید می کند و معتقد است ارتکاب جرایم، ناشی از سبک زندگی و تغییرات فرهنگی در جامعه می باشند.

عامل مهم شکل گیری مقوله جرم به مثابه فرهنگ، محرومیت ها و نابرابری هاست. افراد محروم از ابزارهای قانونی برای حل مشکلات خود، به تعامل با همفکران خود روی می آورند و خرده فرهنگ ها را شکل می دهند. این خرده فرهنگ ها رفتارهای مجرمانه را عادی و مشروع جلوه می دهند که گاهی به صورت خشونت آمیز و گاهی به صورت مسالمت آمیز است. جرایم جنسی نیز در راستای پدیده « جرم به مثابه فرهنگ » قابل تحلیل است. بسیاری از افراد از راه های قانونی توانایی ارتباط با جنسی مخالف و رفع نیازهای جنسی را ندارند که این محرومیت از راه های مشروع منجر به شکل گیری فرهنگ یا خرده فرهنگ مجرمانه می گردد و جرایمی چون رابطه نامشروع و زنا تبدیل به رفتارهایی عادی شده و از آنها قبح زدایی می شود. ازدواج دائم تنها راه «فرهنگی» تامین نیازهای جنسی در ایران است لذا اگر این راه دست نیافتنی باشد، مسلم است که راه های فرهنگی دیگری برای رفع این نیازها و محرومیت ها ایجاد می گردد و سبک های زندگی جدیدی برای ارضای نیازها پیدا می شود. بدین ترتیب فرهنگی که صرفاً بر ازدواج دائم یا بر کنترل و سرکوب نفس طولانی یا دائمی توصیه کند طرفدار چندانی نخواهد داشت. فرهنگ تک بعدی در جامعه و وجود یک فرهنگ مسلط و غالب که فرهنگ های دیگر را طرد و نفی کند، دوام نمی آورد.

این مساله گاهی منجر به اخلال در نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه هم می شود. عدم دستیابی به فرهنگ و ارزش غالب-ازدواج دائم- و افزایش محرومیت ها در این خصوص موجب می شود نیازهای جنسی از طریق برخی سایت های مستجهن و برنامه های نرم افزاری دیگر و سکس مجازی یا در برخی مکان های عمومی و نامناسب دیگر رفع شود که منجر به اخلال فرهنگی و اجتماعی می شود. ارتکاب اعمال جنسی در چنین مکان هایی جرم مشهود محسوب شده و مقامات پلیسی و قضایی حق تحقیق و تعقیب را خواهند داشت.

اگر مقررات کیفری قابلیت انطباق با فطرت بشر و فرهنگ های جامعه را نداشته باشد، همواره به زیان مردم خواهد بود. زیرا مردم یا مجبورند محدودیت ها را بپذیرند و یا با آن مقابله کنند. پذیرا شدن آن موجب از دست رفتن آزادی و مقابله با آن موجب تحمل مجازات می شود و ممکن است موجب اعتراض بیشتر مردم گردد. از این رو، قانون ناعادلانه مصداق خشونت است و اگر قانون کیفری حق متفاوت بودن و سبک های زندگی را به رسمیت « نشناسد می تواند خشونت زا باشد که منجر به نافرمانی مدنی می شود(حمزه زینالی، ۱۳۸۸، ص. ۴۱۳). مردم دو نوع واکنش به این نوع قوانین نشان می دهند: یا آن را می پذیرند ولی در موقعیت های دیگر مرتکب جرم شده و در واقع قانون را دور می زنند تا جرم شان کشف نشود؛ یا اینکه قانون شکنی می کنند و در نتیجه موجب مجازات و برچسب زنی می شود. اکنون ماده ۶۳۷ ق.م.ا در عمل متروک و خنثی شده است زیرا افراد زیادی به خصوص

جوانان مرتکب جرم موضوع این ماده می شوند. این ماده قانونی تلویحاً به این امر اشاره دارد که تنها راه رفع نیازهای جنسی ازدواج است و هر راه دیگری غیر از این تا ۹۹ ضربه شلاق خواهد داشت. این یعنی طرد و سرکوب فرهنگ مردم جامعه که نتیجه آن، قانون شکنی است. قانون می خواهد در این خصوص از امنیت اخلاقی حمایت کند، اما خود این قانون حامی چندانی ندارد. در نتیجه، قانون و کیفر نمی تواند با فرهنگ مقابله کند و در جدال قانون و فرهنگ، قانون است که شکست می خورد و طرد می شود و فرهنگ ممکن است باقی بماند. چیزی که می تواند با فرهنگ مقابله کند، فرهنگ است که با استدلال و علم و منطق و اقناع می تواند فرهنگ های دیگر را شکست دهد.

از یک سو رسانه ها هم در شکل گیری و تغییر فرهنگ بی تاثیر نبوده اند. با گسترش رسانه های جمعی و ایجاد دهکده جهانی، فرهنگ های مختلف دیده شده و آموخته می شوند. با توجه به اینکه امروزه در اغلب کشورها آزادی جنسی وجود دارد و بعد از انقلاب جنسی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و جنبش عشق آزاد در آمریکا و کشورهای دیگر روابط جنسی دختران و پسران آزاد شده است، لذا این سوال در ذهن افراد ایرانی مطرح می شود که چرا در ایران این اعمال ممنوع است و پاسخ قانع کننده ای هم نمی یابند و قانع نمی شوند. ممکن است دلایلی چون حاملگی ناخواسته و بیماری های مقاربتی بیان شود، اما امروزه با پیشرفت و آموزش های صحیح از چنین مشکلاتی جلوگیری می شود. شاید بتوان گفت علت حکم ممنوعیت روابط جنسی نامشروع از بین رفته است و وقتی علت از بین رفته باشد، حکم هم از بین خواهد رفت.

به این دلیل یک بحث معرفت شناختی ایجاد می شود که مثلاً وقتی گفته می شود فلان فیلم را نبین، اولین چالش که در ذهن به وجود می آید این است که از کجا می دانید آنچه شما می فهمید درست باشد؟ در موضوعی مانند بستن کمربند ایمنی روشن است که برای تضمین سلامت است اما در موارد فرهنگی مساله به این سادگی نیست. لذا هزینه های درگیری با جامعه در امور فرهنگی و اخلاقی زیاد است. وقتی از فرهنگ صحبت می شود، از امر امنیتی و سیاسی و مخفی صحبت نمی شود. از این رو، در مقام قانون گذاری فرهنگی به حق انتخاب افراد باید احترام گذاشته شود و نگاه حق محور به سیاست گذاری فرهنگی داشت نه نگاه تکلیف محور (نوبهار، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

ممکن است گفته شود قرار بر این نیست که هرگاه هر جرمی تبدیل به فرهنگ شود، باید از آن جرم زدایی گردد. مثلاً جرایمی خطرناکی چون تخریب محیط زیست و یا سرقت و قتل هم می توانند تبدیل به سبک زندگی و فرهنگ شوند اما هیچ گاه بحث جرم زدایی از آنها مطرح نمی شود. در پاسخ باید گفت که چنین جرایمی آسیب های فراوانی بر دیگران وارد می کنند و معیارهای قابل قبولی برای جرم انگاری آنها موجود است و مهمتر اینکه ناشی از فطرت و غریزه انسان هم نیستند و دارای قبح ذاتی هستند. اما روابط جنسی همراه با رضایت طرفین ناشی از طبیعت و غریزه انسان است که به سختی قابل دفع است. به عبارتی انسان در زندگی روزمره خود با این مساله سروکار دارد و چیزی نیست که بتوان از آن گریخت. اما جرایم دیگر اینطور نیستند.

بدین ترتیب برخلاف میل جنسی، میل به دزدی و ضرب و جرح یا قتل از اقتضائات زندگی روزمره نیستند مگر در موارد نادری که فرد دچار مشکلات روانی باشد. مقاومت در برابر میل به ارتکاب این جرایم غالباً بر تکامل یا تعادل زندگی عاطفی فرد و شخصیت او تاثیر نمی گذارد؛ حال آنکه سرکوب امیال جنسی عموماً در این موضوع تاثیرگذار است. لذا قوانین مربوط به اخلاق جنسی ممکن است مشکلات اجتماعی جدی ایجاد کنند زیرا هم مشکلات ناشی از سرکوب امیال جنسی و هم پیامدهای این سرکوب، از مشکلات و پیامدهای امتناع از یک جرم معمولی، کاملاً متفاوت اند (هارت، ۱۳۸۸، ص. ۳۷).

### ۲-۳- نگاهی به جرایم جنسی در ایران از منظر نظریه آنومی

از منظر جامعه شناختی، مطالعه تحولات اجتماعی ایران نشانگر امواج فزاینده ای از تغییرات ارزشی است. رسیدن فاصله بلوغ جنسی و اقتصادی به ده سال و بیکاری منجر به نوعی وضعیت آنومیک شده است که نتیجه این امر شکل گیری نگرش های آنومیک و پیدایش ارزش های جدید است. امروزه، تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی ترین کانون های مناقشه بین نسلی در خانواده های شهری بدل شده است. طبق تحقیقات میدانی، در حال حاضر روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران به حداقل شش دسته تقسیم می شود که عبارتند از: ۱- روابط آزاد (الگوهای روسپی گری و مبتنی بر پول)، ۲- روابط صیغه ای، ۳- روابط دوست دختر دوست پسر (مبتنی بر عشق رمانتیک)؛ ۴- روابط هم خانگی (ازدواج سفید یا غیررسمی)؛ ۵- روابط ضد عاشقانه (مبتنی بر فریب) و ۶- روابط مبتنی بر عشق سیال (روابط دوستانه با تعهد کمتر) که روابط دسته های اول و دوم در گفتمان پیشامدرن و دسته های سوم و چهارم و پنجم مدرن و دسته ششم پست مدرن قرار می گیرند (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۰-۲). رابرت مرتون جرم شناس آمریکایی در نظریه فشار بر این مطلب تاکید کرده که ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را به بعضی افراد جامعه وارد می آورد که به جای همنوایی، ناهمنوا می شوند. در این خصوص هم آنومی زمانی پدید می آید که در جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده بیشتر از اشتغال و مقدمات آن تاکید شود. احساس محرومیت موجب نارضایتی در افراد شده و این نارضایتی تبدیل به محرکی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت به شیوه های جدید می شود. فشارهای فرهنگی در کنار سایر عوامل چون احساس نیاز و شرایط اقتصادی موجب پیدایش ارزش های جدید فرهنگی در جامعه می شود که عامل گسترش روابط جنسی بوده است (آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵۴).

در گفتمان غالب فرهنگی جامعه ایران بر ازدواج و تشکیل خانواده بسیار توصیه می شود و لذا ازدواج یک ارزش محسوب می شود که افراد باید به آن دست یابند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در بند ۱ اصل ۴۳ بر تامین نیازهای اساسی و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه تاکید شده است و در مقدمه قانون مذکور نیز بیان شده که خانواده کانون اصلی رشد و تعالی « خانواده برای همه انسان است و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. همچنین اصل ۱۰ مقرر نموده خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت

آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در راستای تحقق بخشیدن به این آرمان قانون اساسی «قانون تسهیل ازدواج جوانان» مصوب ۱۳۸۴ به توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده توسط دولت تاکید کرده است. علاوه بر دولت، تمام دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی طبق این قانون موظفند در این امر همکاری کنند. دولت مکلف است برای فرهنگ سازی ازدواج، جوانان و خانواده ها را در جهت کاهش هزینه های تشریفات مراسم ازدواج تشویق کند. طبق ماده ۶ این قانون دولت باید به منظور نظارت بر اجرای این قانون کمیته سامان ازدواج در استان ها تشکیل دهد.

اما در عمل نه تنها بر قانون اساسی و قانون تسهیل ازدواج جوانان عمل نشده است بلکه موقعیت فعلی از آرمان های این قوانین به دور است. اصول ذکر شده در این دو قانون هیچ ضمانت اجرایی ندارد. تلاش دیگری که در این راستا انجام شد، ایجاد خانه عفاف در سال ۱۳۸۱ برای تسهیل امر ازدواج و ساماندهی معضل روابط جنسی بود اما مورد تصویب قرار نگرفت. لذا اکنون کسانی که برای تامین نیازهای اساسی خود مرتکب جرایم جنسی می شوند، خود قربانی هستند. اول قربانی سیاست های غلط ساختاری و فرهنگی و اقتصادی که منجر به روابط جنسی آنومیک می شود و دوم قربانی تدابیر کیفری شدید پس از ارتکاب جرم که منجر به طرد آنها از جامعه می گردد.

اکنون وضعیت جامعه ایران در حوزه مسائل جنسی و خانوادگی در وضعیت آنومیک است و در بی نظمی به سر می رود. افزایش طلاق، خیانت، تجرد قطعی، همجنسگرایی، آزارهای جنسی در مدارس و کودک آزاری و روابط نامشروع نشانگر این مساله است که قوانین حاکم بر ایران نتوانسته اند در حوزه مسائل جنسی نظم ایجاد کنند. لذا ناامنی جنسی از تبعات قوانین نامناسب و غیر موثر است. برای برون رفت از این وضعیت و ایجاد نظم در حوزه مسائل جنسی، لازم است مقررات کیفری ایران مورد بازبینی قرار گیرد.

### ۳-۳- نگاهی به جرایم جنسی از منظر روانشناسی اجتماعی

«ویلهلم رایش»<sup>۱</sup> روانشناس اتریشی سرکوب میل جنسی را زمینه پرورش افراد مطیع برای حکومت های دیکتاتوری می دانست. لذا ملتی که با تربیت پدرسالارانه، بازدارنده و سرکوبگرانه امیال جنسی بزرگ میشود، توانایی تعقلش آسیب میبیند، اضطراب در وجودش چنبر میزند و نیروی تمرّدش فلج میشود؛ به نظر رایش مشکلات شخصیتی و روان نژدی ناشی از عدم ارضای جنسی طبیعی است. به علت آنکه علائم روانژدی قادر به تخلیه کامل انرژی جنسی نیستند انرژی جمع شده و در وجود فرد به عنوان تنش بدنی ظاهر می شود. انرژی جنسی می تواند به اضطراب بدل شده یا به شکل سادیسم و ستیزه جویی ظاهر شود. به عنوان مثال، کودکی که متعلق به طبقه کارگر است از والدین خود می آموزد که میل جنسیاش را سرکوب کند. از این رو در بزرگسالی سرکش میشود و انگیزش جنسی موجب اضطراب وی خواهد شد. رایش اعتقاد دارد اخلاقی که تمایلات طبیعی زندگی را با فاحشگی

۱. Wilhelm Reich

یکسان انگارد، به دیکتاتوری مبدل می شود. چنین اختلاطی، شادی و عشق طبیعی را مانع می شود. عنوان غیراخلاقی دادن به کسانی که به جای قوانین اجباری و غیرطبیعی، بر طبق قوانین درونی و طبیعی خود رفتار می کنند، گناهی نابخشودنی است. ریاکاری اخلاقی خطرناک ترین دشمن اخلاق ذاتی و طبیعی است و با وضع قوانین اخلاقی اجباری و خشک نمی توان به جنگ ریاکاری اخلاقی رفت. لذا لازمه رفتار نیک آن است که فرآیند زندگی و جنسی به طور طبیعی و آزاد رشد کنند (رایش، ۱۳۸۲، ص. ۱۹).

از طرف دیگر، کشش انسان به سوی جنس مخالف یک رفتار غریزی است که اگر زمینه آن فراهم گردد انسان به دشواری می تواند از آن بپرهیزد. در منابع شرعی و علمی نیز ارتباط جنسی یک نیاز ذاتی هر شخص دانسته شده است بنابراین اگر کسی مرتکب رابطه نامشروع شد تمایلی به اثبات آن وجود ندارد و به همین دلایل ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قبل از اصلاح نهایی، رابطه نامشروع با رضایت طرفین و بدون شکایت شاکی خصوصی را جرم نمی دانست (زراعت، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۴).

ابراهام مازلو روانشناس آمریکایی سلسله مراتب نیازهای انسان را دسته بندی کرده است که عبارتند از: ۱- نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک مانند خوراک و پوشاک و خواب و مسکن و نیاز جنسی. ۲- نیازهای ایمنی مانند امنیت جانی و مالی. ۳- نیاز به عشق و محبت مانند خانواده. ۴- نیاز به احترام و ۵- نیاز به خودشکوفایی. همانطور که ملاحظه می شود، نیازهای جنسی در پایین ترین سطح قرار دارد و از نیازهای ابتدایی انسان است. هریک از نیازهای طبقه پایین باید رفع شوند تا انسان به نیاز بالاتر بتواند برسد. از نظر مازلو ارضای خوب نیازها موجب پیدایش نیازهای بالاتر می شود. لذا عدم رفع نیاز جنسی می تواند موجب مشکل در دستیابی به مراتب بالای نیازها و در نتیجه مانع خودشکوفایی انسان باشد. بیشتر جرایم و جنایات در جوامع بشری سر همین نیازهای دسته اول و ناشی از عدم رفع یا محدودیت در آنهاست. زیرا با بقا انسان رابطه مستقیمی دارند. تا زمانی که ذهن فرد درگیر رفع نیاز جنسی است، نمی تواند به نیازهای بالاتر دست یابد. اگر جامعه و دولت به نیازهای انسانی توجه نکند، انسانیتی هم حاکم نخواهد بود.



## نتیجه گیری

قانونگذار ایران برای حمایت از امنیت اخلاقی اقدام به جرم انگاری های گسترده در حوزه جرایم جنسی کرده است. اما نتیجه این سرکوب کیفری، افزایش روزافزون جرایم و روابط جنسی بوده است. از طرفی اجرای برخی کیفرهای اسلامی در عصر حاضر موجب تنفیر از دین می شود که شرع مقدس راضی به آن نیست. هرچند ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری همسو با آموزه های اسلامی در جهت بزه پوشی جرایم جنسی وضع گردیده، اما در مرحله برخورد کیفری، مقنن ایران در جرم انگاری و کیفرگذاری روابط جنسی به بسترها و مصلحت های فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز ایران در خصوص روابط جنسی توجه چندانی نکرده و عنصر مصلحت را در جرم انگاری روابط جنسی موجب تعزیر رعایت ننموده است.

می توان اذعان نمود اولاً، با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و شرایط آنومیک جامعه در شرایط فعلی که امکان ازدواج برای بسیاری از افراد در سن ازدواج محال یا دشوار شده است و تنها راه مشروع رفع تمایلات و نیازهای جنسی هم ازدواج است، ثانیاً، با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه با ایجاد دهکده جهانی و رسانه های گسترده که قبح ذاتی جرایم جنسی توأم با رضایت را قدری از بین رفته برده و جوانان حق طبیعی و انسانی خود می دانند که بتوانند با جنس مخالف ارتباط داشته باشند، قانون کیفری نباید به عنوان اولین راه حل اقدام به سرکوب روابط بنماید زیرا زمانی که قانون با انتظارات و فرهنگ مردم جامعه سازگاری نداشته باشد، تبدیل به قانون متروک و مطرود می گردد و نمی توان از طریق مداخله کیفری برای برقراری اخلاقیات در جامعه، روابط جنسی افراد را سرکوب کرد.

جرم شناسی فرهنگی رفتارهای مجرمانه را در قالب «جرم به مثابه فرهنگ» و «فرهنگ به مثابه جرم» بررسی می کند که در حوزه جرایم جنسی می توان گفت با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی امروز ایران و افزایش فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، روابط جنسی خارج از ازدواج و انحرافات جنسی و آسیب هایی چون مجرد قطعی در حال افزایش است که تبدیل به فرهنگ یا خرده فرهنگ و نوعی سبک زندگی شده است. از طرفی مداخله کیفری برای سرکوب و نفی این فرهنگ ها به بحران جنسی جامعه دامن می زند. تنها راه رفع نیاز جنسی در ایران، ازدواج (به خصوص دائم) است که این راه برای بسیاری از جوانان مسدود شده و لذا وضعیت آنومیک جنسی پدید آمده است. گفتمان فرهنگی غالب بر ازدواج دائم و تشکیل خانواده تاکید می کند و راه های فرهنگی دیگر از طریق جرم انگاری روابط جنسی-در غیر از قالب ازدواج- سرکوب می شوند. در نتیجه چنین فرهنگ غالبی که انتظارات واقعی جوانان و شرایط روز را در نظر نمی گیرد مطرود می شود و طبیعتاً قانون کیفری که در حوزه های فرهنگی جامعه مداخله می کند و هر راه دیگری برای ارضا تمایلات جنسی-غیر از ازدواج رسمی-را مجازات می کند، تبدیل به قانون متروک و مطرود می گردد.

از منظر فقهی رابطه نامشروع از گناهان کبیره در اسلام نیست و روایات موجود در این خصوص را نمی توان به همه موارد به طور مطلق تسری داد و باید این روایات را در بسترهای فرهنگی جامعه تفسیر نمود و حتی به فرض گناه بودن آن، لزومی به جرم انگاری

همه گناهان نیست. باید اذعان نمود که روابط بین زن و مرد مجرد اگر در راستای ارضای نیازهای انسانی و طبیعی بوده یا ناشی از وضعیت آنومیک جامعه باشد و قصد برهم زدن امنیت جامعه هم در آنها وجود نداشته باشد، مخل نظم و امنیت اخلاقی جامعه نخواهد بود و لذا با تحقق این شرایط نیازی به واکنش کیفری به این روابط نیست.

برای خروج از آنومی جنسی در شرایط فعلی می توان جرم انگاری روابط خارج از ازدواج مرد و زن را محدود به مواردی نمود که منجر به اختلال در نظم و امنیت عمومی جامعه می شود. زیرا کیفر این عمل امروزه در جامعه موجب مشکلات و عسر و حرج برای جوانان شده و هیچ یک از اهداف مجازات ها در کیفردهی به این عمل محقق نشده است. لذا برخورد سخت کیفری با جرم رابطه نامشروع امروزه چندان عادلانه به نظر نمی رسد.

### پیشنهادات

با عنایت به مطالبی که در این تحقیق مورد بحث قرار گرفت و نتیجه گیری شد، می توان محدوده جرم انگاری و کیفرگذاری نسبت به روابط جنسی بین زن و مرد را تنها محدود به موارد مخل نظم و عفت عمومی نمود و در غیر موارد مخل نظم از آن جرم زدایی کرد.

بدین ترتیب، ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می تواند بدین صورت اصلاح گردد:

هرگاه زن و مردی بدون علقه زوجیت به قصد شهوت اقدام به رابطه فیزیکی منافی عفت در ملاعام و اماکن عمومی نمایند به طوری که عمل آنها منجر به اختلال در نظم و عفت عمومی جامعه گردد، به جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال می شوند.

تبصره- اگر یکی از طرفین متأهل باشد، به حداکثر مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

بدین طریق عنصر مادی این جرم صرفاً محدود به روابط فیزیکی منافی عفت خواهد شد نه هر عملی. مکان ارتکاب جرم نیز محدود به اماکن عمومی شده و باید در مرئی و منظر عام رخ دهد. از لحاظ عنصر روانی نیز مستلزم احراز سوءنیت خاص شهوت رانی و لذت جویی خواهد بود. جزای نقدی و حذف مجازات بدنی نیز راهکاری برای تعدیل و تخفیف نوع مجازات این جرم است. همچنین چون روابط در فضای مجازی غیرفیزیکی است، لذا نیازی به جرم انگاری این جرم در بستر فضای مجازی نیست مگر در مواردی که منجر به تولید و تکثیر و پخش تصاویر و فیلم های مستهجن شود که این موارد هم در قوانین قبلی جرم تلقی شده است.<sup>۱</sup> از طرف دیگر این یک جرم مقید باید باشد نه جرم مطلق؛ یعنی عملاً موجب اختلال در نظم عمومی شود.

لکن شایان ذکر است از جواز رابطه آزاد زن و مرد مجرد، جواز جرایم جنسی دیگر استنباط نمی شود. بدیهی است جرایم جنسی توأم با عنف و اکراه، رابطه جنسی با نابالغان، رابطه جنسی با محارم و حیوانات و مردگان همچنان باید در محدوده مداخله حقوق

۱. ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می نمایند مصوب ۱۳۸۶

کیفری باشند. چون دلایل کم و بیش قانع کننده ای برای جرم انگاری آنها وجود دارد. اما روابط بین زن و مرد مجرد اگر در راستای ارضای نیازهای انسانی و طبیعی بوده یا ناشی از وضعیت آنومیک جامعه باشد و قصد برهم زدن امنیت جامعه هم در آنها وجود نداشته باشد، نباید جرم تلقی شود و به منظور بهبود وضعیت آنومیک و غیرعادی جامعه ایران در حوزه روابط جنسی ماده ۶۳۷ ق.م.ا. ۱۳۷۵ نیازمند تعدیل و بازنگری است. امید است قانونگذار این مساله را در هنگام بازبینی بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قرار دهد.

## فهرست منابع

## کتاب و مقالات

- آزادارمکی، تقی و دیگران ( ۱۳۹۰)، *سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران*، جامع پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.
- آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین ( ۱۳۹۰)، *تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در اسلامی*، تهران، چاپ اول
- آفتاب نیوز، پایگاه خبری ( ۱۳۹۶)، *آمار تکان دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران*، کد خبر: ۴۵۶۸۱۹
- آقابابایی، حسین ( ۱۳۸۹)، *قلمرو امنیت در حقوق کیفری*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ایران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- صادقی تهرانی، محمد: «رساله توضیح المسائل نوین»، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، بی تا.
- جعفری، مجتبی ( ۱۳۹۲) *جامعه شناسی حقوق کیفری*، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، نشر میزان.
- جعفری، افشین و حسینی، آسیه (۱۳۹۹) *سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری*، فصلنامه اندیشه حقوقی، دوره اول، شماره سوم.
- جماران، پایگاه اطلاع رسانی و خبری ( ۱۳۹۳)، *گزارش تکان دهنده از روابط جنسی نامشروع در ایران*، کد خبر: ۵۲۱۶۰
- جوانمرد، بهروز ( ۱۳۹۵)، *رویه های قضایی و نظریه های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع*، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، سال اول، شماره ۱، ص ۲۷ - ۳۳.
- حمزه زینالی، امیر (۱۳۸۸)، *مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش های فراروی آن*، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقاله ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان.
- خدابخشی، علی ( ۱۳۹۰)، *حمایت حقوق کیفری از اخلاق و ارتباط آن با آزادی و حریم خصوصی اشخاص در حقوق ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه گیلان.
- خوانساری، سید احمد (۱۳۹۴ ه.ق.) *جامع المدارک*، مکتبه الصدوق، جلد ۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد ( ۱۳۸۱)، *تبیین استراتژی عقب نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران*، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۱.
- رایش، ویلهلم ( ۱۳۸۲ ) *کشف انرژی ارگن*، روانشناسی در عمق: کارکرد ارگاسم، ترجمه استپان سیمونیان، چاپ اول. انتشارت رشد.

- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ اول. نشر میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۹۸) *بنیادهای دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱) *قواعد فقه بخش حقوق جزا*، چاپ پنجم، انتشارات سمت.
- فرجیها، محمد و الله وردی، فرهاد (۱۳۹۳)، *رویکرد جرم شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان*، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷.
- قدسی، سیدابراهیم و پورزرین، علی (۱۳۸۳)، *نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی*، مطالعات اسلامی، شماره ۶۷.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸)، *بستر معنوی و عقلایی علم فقه*، نشریه کیان، شماره ۴۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، *قواعد فقه بخش جزایی*، چاپ بیست و هشتم. مرکز نشر علوم انسانی.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۸)، *سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی*، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴.
- محمودی جانکی، فیروز؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲)، *توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت ها*، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم.
- مهریزی، مهدی و دانش پژوه، وهاب (۱۳۹۵) *قرآن و جرم انگاری حدافلی*، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره دوازدهم.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۴)، *بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین*، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه دکتر شهیدی)
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۰) *اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری*، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۴)، *اخلاق گرایی و حریم خصوصی*، درسنامه حقوق بشر، سایت رسمی رحیم نوبهار
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۵) *درآمدی بر قانونگذاری، چالش های قانونگذاری در حوزه فرهنگ*، مندرج در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- هارت، هربرت (۱۳۸۸) *الزام قانونی اخلاق*، ترجمه محمد راسخ، آیین، شماره ۲۴ و ۲۵.
- هشترودی، می گل (۱۳۹۷) *آیا انقلاب جنسی در راه است؟! / آژیر قرمز بحران جنسی به صدا در آمده است*، تندرست نیوز، کد خبر: ۵۶۹۵
- ورورایی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید (۱۳۹۳)، *تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران*، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم.

Barker, Meg; Iantaffi, A.; Gupta, C. (۲۰۰۷). "**Kinky clients, kinky counselling? The challenges and potentials of BDSM**" (PDF). Open Research Online. Routledge. Retrieved ۱۲ January ۲۰۱۱.

<https://edition.cnn.com/۲۰۱۵/۰۲/۲۶/asia/south-korea-adultery/index.html>

## **Pathology of Iran's penal policy towards sexual crimes from jurisprudential and criminology perspective**

### **Abstract**

Iran's criminal laws emphasize that in order to establish moral security in the society, illegal and immoral sexual relations must be strictly dealt with, and for such crimes, criminal executions are guaranteed. But the result of this strict criminal policy is the increasing of these crimes in society, especially among young people, and it seems that such crimes have become a culture or subculture among young people. Therefore, these laws because of conflict with the culture and subculture of the new generation, has become abandoned laws. From the point of view of jurisprudence, the policy of Islam in these crimes is to cover the guilt and punishment is considered as the last solution, and although the crime of illicit relationship is one of the Ta'azirat, but the Ta'azir is subject to expediency and despite this, our legislator did not pay attention to the social expedients in this field. Based on this, this article, with a descriptive-analytical method, seeks to critically evaluate Iran's criminal policy regarding sexual crimes and provide legal solutions to solve this issue emphasizing the criminology and Islamic jurisprudence, and comes to this conclusion that It seems that the Iran's criminal policy regarding the criminalization of illicit relationship is against the policy of vindictiveness of Islam and it has not provided benefits and interests in terms of the principle of usefulness of punishment. Therefore, it is necessary the article related to the crime of illicit relationship be amended and revised and limited to cases that disturb public order.

**Keywords:** Penal policy, Sexual Crime, jurisprudence, illicit relationships, Cultural Criminology, victimization

